



نظام سازی قرآنی با هماهنگی نهادها در فرهنگسازی قرآنی به وجود می آید/ باید به دنبال تحول قرآنی مطلوب باشیم

مشاور پژوهش و برنامه ریزی معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه همه باید به دنبال تحول قرآنی مطلوب در همه سطوح فرهنگی اجتماعی و حتی اقتصادی باشیم و در واقع نظام سازی قرآنی که نقطه نهایی فرایند توسعه قرآنی در کشور پیش بینی شده در نتیجه هماهنگی نهادها در فرهنگسازی قرآنی صورت می پذیرد.

مشاور پژوهش و برنامه ریزی معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه همه باید به دنبال تحول قرآنی مطلوب در همه سطوح فرهنگی اجتماعی و حتی اقتصادی باشیم و در واقع نظام سازی قرآنی که نقطه نهایی فرایند توسعه قرآنی در کشور پیش بینی شده در نتیجه هماهنگی نهادها در فرهنگسازی قرآنی صورت می پذیرد.

به گزارش خبرنگار مهر، انقلاب اسلامی ایران، انقلاب معنوی و فرهنگی با هدف رشد فرهنگی و مذهبی مردم بود که با توجه ویژه مقام معظم رهبری شاهد رشد چشمگیر و ارتقا فعالیتهای قرآنی در سطح کشور هستیم. قبل از انقلاب، مردم با قرآن بیگانه بودند و این انقلاب باعث شد که نورانیت قرآن در دلهای مردم ایجاد شود و باعث رشد و شکوفایی برنامه های معنوی، دینی، مذهبی در بین مردم شود. فعالیتهای قرآنی هر چقدر هم گسترش یافته باشد باز تا نقطه اوج خود فاصله دارد، مقام معظم رهبری مطالبه 10 میلیون حافظ قرآن از جامعه قرآنی را داشتند که این امر وظیفه و مسئولیت جامعه قرآنی را بیشتر می کند. در گفتگو با دکتر مصطفی عباسی مقدم، مشاور پژوهش و برنامه ریزی معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بخشی از این مسائل مورد بررسی قرار گرفت که اکنون از نظر شما می گذرد.

*حرکت قرآنی کشور را در گذشته چگونه ارزیابی می کنید؟

اولا حرکت قرآنی کشور در کل بسیار خوب بوده و وضعیت اکنون، با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست اما سخن از شرایط مطلوب و یا بهتر بگوئیم حرکت مطلوب به سوی وضعیت آرمانی است. امکانات و استعدادهای جامعه ما آنقدر وسیع و قابل توجه است که نیایستی به طرحها و برنامه های کم اثر و موقت اکتفا کنیم و به دستاوردهایی اندک دلخوش کنیم. دستاوردهایی که در زمینه گسترش نشر قرآنی، افزایش فعالان و مؤسسات و کانونهای قرآنی، نمایشگاه های گسترده ملی و بین المللی، ایجاد ساختارهای اجرایی و مشورتی قوی برای فعالیتهای قرآنی به دست آمده بسیار برجسته و ستودنی است، لکن واقعیت دیگر این است که در زمینه کیفیت آثار و تولیدات قرآنی، تعمیم فعالیتهای قرآنی به همه اقشار، تنوع فعالیتهای آموزشی و پژوهشی و ارتقای مهارتها و معنویت فعالان قرآنی کاستیهایی داریم که باید با برنامه های سنجیده و مطالعه شده و با اهتمام و ابتکار و پشتکار به دنبال رفع آنها باشیم.

*چرا حرکت قرآنی کشور هیچگاه در شرایط ایده آل نبوده است؟

این واقعیت علتی دارد که البته بیان آن به معنی نادیده گرفتن تلاشها و دستاوردهای حاصله در طول این سالها نیست. یکی از این علتها پراکندگی و ناهماهنگی موجود در بین نهادها و دستگاه ها بوده که موجب سیاستگذاری های متناقض و گاهی موازی کاریهای بی دلیل شده است. علت دیگر نبودن یک مرجع واحد و دستگاه مشرف بر همه فعالان و نهادهاست که گاهی موجب شکست طرحها و عدم وصول به نتایج درخور شده است. یک سونگری و کم توجهی به ابعاد معنایی و تدبیر در قرآن را هم از عمل ناکامی بخش قرآنی در تحقق وضعیت آرمانی می توان شمرد. تغییرات رویکردی برخی دستگاه های مهم مانند آموزش و پرورش و دانشگاه ها هم می تواند یک علت باشد که در دوره ای توجه و در دوره ای بی توجهی به این مقوله نشان داده اند، حتی نهادی مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی هم رویکردی ثابت و هماهنگ و پایدار در توجه به مقوله های قرآن و عترت در جامعه نداشته و به صورت متناوب و نه مستمر، به این موضوع عنایت نشان داده است.

*به نظر شما چه رویکردهایی برای شرایط کنونی فعالیتهای قرآنی لازم است؟

مهمتر از هر چیز اینکه ما یک سری واقعیات در عرصه جلوه ها و فعالیتهای قرآن و عترت در جامعه داریم و یک سری آرمانها و چشم اندازها که قطعا همه علاقه دارند به آن برسند. نکته اساسی این است که چگونه و با چه روشها و ابزارهایی می خواهیم به سوی آن آرمانها حرکت کنیم؟ بعضی عادت دارند طرحهای بسیار بزرگ و متعالی را که در ذهن می پروراند به زبان آورند و در طرحها و برنامه ها بگنجانند، در حالی که می دانند هرگز آن اهداف قابل وصول نیستند. البته ممکن است بگویند به هر میزان که بتوانیم به نتیجه نزدیک می شویم، اما این معنای برنامه پذیری نیست.

چشم انداز و برنامه شما بایستی حتی الامکان واقع نگر و منطبق بر توانمندیها و شرایط موجود و واقعیات باشد نه مبتنی بر تخیلات و بلندپروازیها. البته در هر برنامه ریزی آینده نگر قدری آینده نگری و بلندپروازی معقول وجود دارد اما نباید بی حساب و کتاب باشد. حال نکته مهم این است که براساس چه واقعیاتی چشم انداز و برنامه داشته باشیم.

من احساس می کنم لازم است به نقاط قوت و حقایق شاخص در عرصه نگرش قرآنی و فعالیت قرآنی جامعه نگاه کنیم و همان واقعیات مثبت و مؤثر و مفید را تقویت کنیم نه آنکه سعی کنیم ذهنیات خود را اولویت دهیم و تجلی و تحقق ببخشیم هرچند ذهنیتهای به ظاهر خوبی باشند. مثلا اینکه ما جلسات و محافل قرآنی مردمی و خودجوش و خالصانه بسیاری داریم که با اندک تدارکاتی در بین خانواده ها، محله ها، جمع همکاران به طور پیوسته برگزار می شود. آیا بهتر نیست به جای ایجاد یک ساختار و طرح جدید که احیانا به سختی جا می افتد. همین محافل و جلسات را تقویت و غنی سازی و کیفیت بخشی کنیم. مثال دیگر

اینکه در آموزش مکتبخانه ای قدیم جامعه ما، الفاظ و تجوید و مفاهیم همراه یکدیگر آموزش داده می شدند، چرا ما سعی نمی کنیم همین سنت را به کمک ابزارها و متدهای جدید تقویت و بهینه سازی کنیم، به جای آنکه کلاس مفاهیم را کاملاً از کلاس تجوید و قرائت جدا سازیم.

پس رویکرد اول توجه و تکیه بر داشته ها و سرمایه هاست به جای تلاش برای ایجاد یک سنت و سرمایه جدید که کاری سخت و بازده آن نامعلوم است. چرا نهضت قرآن آموزی در کشور با آن همه تلاش و انرژی و بودجه چندان موفق نبود؟ چرا برخی کلاسهای آموزش و پرورش و مؤسسات چندان کارآمد نیست که دانشجوی ورودی دانشگاه حداقل قادر به روخوانی قرآن باشد؟! اینها به اعتقاد من نتیجه عدول از روشهای شناخته شده به سمت روشهای ناآزموده است.

رویکرد دوم واقع نگری و پرهیز از برخورد صوری و ظاهرسازی است. ما نمی خواهیم آمار شرکت کنندگان در کلاسها و تعداد مؤسسات و حتی تعداد کتب و نشریات زیاد، اما اثرگذاری برنامه ها و محصولات در اصلاح نگرشها، گرایشها و رفتارهای مخاطبان ناچیز باشد. در این صورت، آمار زیاد چه ارزشی دارد، وقتی که خروجی و نتیجه واقعی اندک یا صفر است؟! براین اساس بایستی شناخت درست وضع موجود فعالیتها و مؤسسات در اولویت قرار گیرد و در نتیجه ارزیابی دقیق، آنکه واقعا کارآمد و ثمربخش است تقویت و توسعه داده شود و آنکه ضعیف و ناکارآمد است با تغییراتی اصلاح و تکمیل گردد. اتفاقاً این کار به معنای نفی و حذف نیست بلکه اگر همه فعالان و نهادها را اعضای یک پیکره واحد فرض کنیم اصلاح یک مؤسسه و نهاد بر اثربخشی همه مجموعه و پیکره هم کمک خواهد کرد و ازجمله کارهایی که در این زمینه می توان انجام داد این است که طرحها، ایده ها، نوآوریها و ابتکارات مؤسسه موفق را به دیگران سرایت دهیم و همه را در آن توفیقات سهیم سازیم.

رویکرد بعدی توجه جدی به مقوله های ادبیات و هنر و نمایش و ذوق و قریحه در فعالیتهای قرآن و عترت است. یک حدیث صد بار شنیده را می توان با یک نمایش ساده و کوتاه به اثرگذارترین متن تبدیل کرد. با یک نقاشی خط زیبا می توان تأثیرگذاری یک فراز قرآنی را دوچندان و صدچندان نمود. با یک عکس هوشمندانه و دقیق می توان اوج زیبایی بیان قرآن درباره افلاک و اعماق زمین و هر یک از کائنات را به تصویر کشید. یک تمثیل قرآنی را می توان با یک داستانک پر از ذوق و قریحه به یک خاطره ماندگار در ذهن مخاطب بدل ساخت.

رویکرد چهارم، رشد تولید محصولات قرآنی است. ما سرمایه و پیشینه غنی و قوی در فرهنگ قرآنی داریم که تمدن بزرگ ایرانی نیز متأثر از آن است و در اثر تلفیق این دو فرهنگ، محصولات و دستاوردهای بزرگ و اثرگذاری در طول تاریخ 1400 ساله به وجود آمده که بایستی مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال نوشته های علمای تفسیر و عرفان و ادبیات ما اگر به نحو مطلوب بازنویسی و در قالب کتابچه، لوح فشرده، نرم افزار و فیلم و داستان و غیره به نسلهای نو عرضه می شوند قطعاً پاسخگوی عطش حقیقت جویی و نوگرایی آنها خواهند بود و بلکه نسلهای ملتهای دیگر را نیز جذب خواهند کرد. تولید محصول فرهنگی قرآنی با تکیه بر هنر و ادبیات و سایر عناصر فرهنگی دیگر قطعاً بیشترین تأثیر را در فرهنگسازی براساس آموزه های قرآن و عترت خواهد داشت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این دوره به دنبال تحقق این رویکرد می باشد.

رویکرد پنجم، همگرایی و هم افزایی نهادها و مؤسسات و دستگاه های قرآنی است که با ترک رقابتهای کاذب و یا حتی تقابلهای بی فایده باید شروع شود و آنگاه با هماهنگی در انجام پروژه ها و طرحهای مختلف قرآنی ادامه یابد و اوج آن در هم افزایی و حرکت پرشتاب همه در راستای اهداف متعالی قرآنی جامعه خواهد بود. همه بایستی به دنبال یک تحول قرآنی مطلوب در همه سطوح فرهنگی اجتماعی و حتی اقتصادی باشیم و در واقع نظام سازی قرآنی که نقطه نهایی فرآیند توسعه قرآنی در کشور پیش بینی شده در نتیجه هماهنگی نهادها در فرهنگسازی قرآنی صورت می پذیرد. پس باید با تجمیع همه نیروها و نهادها و انرژی ها، از هماهنگی و فرهنگ سازی شروع کنیم تا به نظام سازیهای مطلوب براساس آموزه های قرآن و عترت نائل شویم؛ یعنی به ایجاد و نظام فرهنگی قرآنی، نظام آموزشی قرآنی، نظام پژوهشی قرآنی، نظام اقتصادی قرآنی، نظام تربیتی قرآنی و نظام علمی قرآنی و ... برسیم.

رویکرد دیگری که جای ذکر آن در اینجا نیست، کنترل کمی نهادها و مؤسسات قرآن و عترت و تأکید بر رشد کیفی و تعالی محتوایی آنهاست. بسیاری از این مؤسسات از کمبود ایده و طرحهای نو و اثرگذار رنج می برند و فاقد نیروهای زبده و قرآن شناس و کارشناس در زمینه های فرهنگی هستند که برای رفع این مشکل بایستی تمام هم و غم مدیران و کارشناسان برجسته، تربیت کارشناسان، مدرسان، مربیان و مدیران تحولگرا و اثربخش باشد و در این مسیر ناگزیریم به همین مؤسسات موجود اکتفا کنیم. بودجه و اعتبارات هم حتی به نهادهای موجود کفاف نمی دهد چه رسد به مؤسسات جدید.

***آیا با امکانات و شرایط موجود می توان به تحقق این رویکردها امید داشت؟**

اگر همت عالی و تلاش دلسوزانه به همراه کارشناسی عمیق و آینده نگر وجود داشته باشد حتی با محدودیت اعتبارات و امکانات هم می توان به پیش رفت. نیروی انسانی باهوش و کارآمد و دلسوز و بانگیزه مهمترین سرمایه در فعالیتهای قرآنی کشور است که اگر خوب مدیریت شود قادر به فتح همه قله ها خواهد بود. قله ما همان چشم انداز بلند فعالیتهای قرآنی است یعنی رسیدن به جامعه ای که همه نظامهایش یا قرآنی باشند و یا عمیقاً تحت تأثیر آموزه های قرآنی اداره شوند و این امر دور از دسترس نیست.